

رسول پویان

گلان پرپر

تصویر خاطرات خیالی غبار گشت
زیراکه عشق و وصل حقیقی شعار گشت
گل های کاغذی ندهد بوی یاسمن
پرپر گلان دهکده پامال خار گشت
دوگانه زیستن که بود گوهر حیات
در این زمانه رسم قدیم و فشار گشت
کانون خانواده ز بنیان خراب شد
هردم شکن روابط نو بر قرار گشت
مهر و وفا و عشق و صداقت فریب شد
تردید و شک و شبهه زدل آشکار گشت
عشق وصال در چمن سینه ها فسرد
رونق فزا تجارت سکس و قمار گشت
میراث پربهای تمدن به باد رفت
ارزش های خوب بشر تار و مار گشت
دو باره دور زشت کنیزی فرا رسید
این بار باب خاطر سرمایه دار گشت
از هم گسسته مرد و زن روزگار ما
با اضطراب طعمه بازار کار گشت
احساس عشق و عاطفه تنها نمایش است
در دست هالیوود محبت فگار گشت
سعدی اگر حکایتی دارد از دمشق
در عصر علم و کامپیوتر قحط یار گشت

2016/4/11